۱



نقش زنان در تاریخ اسلام

سید محمود سامانی

بسم الله الرحمن الرحیم

نقش زنان در تاریخ اسلام

نویسنده:

محمود سامانی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نقش زنان در تاریخ اسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : سامانی، سید محمود، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور : نقش زنان در تاریخ اسلام / محمود سامانی .

مشخصات نشر : تهران : نشر مشعر ، ۱۳۹۰ .

مشخصات ظاهری : ۱ ج. (بدون شماره گذاری).

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۱۹-۳

موضوع : زنان در اسلام

رده بندی کنگره : BP۲۳۰/۱۷۲/س۱۷ن۷ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳۱

شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۹۹۱۶۵

ص:۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص: ۷

دیباچه

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن کریم الگو و اسوه تمام عیار الهی را وجود نازنین رسول خدا (ص) می‌داند. این سخن خدای متعال که آخرین فرستاده خود را به تمامیت و به تمام انسان‌ها الگو و اسوه معرفی می‌کند، نشان از آن دارد که انسان‌ها ولو در ناخودآگاه ضمیر خویش دنبال الگو و اسوه‌ای هستند تا مسیر کمال و رشد را به سلامت طی کنند.

بی‌گمان صفات و فضائل و مناقب رسول خدا (ص) موهبتی الهی بوده که کسی را یارای دست‌یابی به آن نیست، اما ویژگی‌هایی در آن حضرت وجود دارد که قابل تأسی است. اهل بیت: و عده‌ای از بزرگان صحابه اعم از زن و مرد، بسیاری از این ویژگی‌های خاص آن حضرت را از نزدیک مشاهده و ضمن نقل آنها برای نسل‌های بعدی، خود را نیز به خصلت‌های

ص: ۸

نیکوی برگرفته از خاندان وحی آراستند. مسلم در این میدان سبقت، تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و خدای متعال کالای آنکه را به تقوا نزدیک است خریدارتر است.

چنان‌که تاریخ گزارش کرده میان یاران رسول‌خدا (ص) زنانی بودند که سبقت را از بسیاری از مردان ربودند و با بهره‌گیری از آموزه‌های وحیانی و پیروی از سنت و سیره نبوی به چنان مقام والایی دست یافتند که خود اسوه‌های بی‌بدیل گشتند. بی‌شک شناخت زندگانی این بانوان و بهره‌گیری از روش و منش و گفتارشان و پیروی از رفتارشان می‌تواند زمینه‌های تعالی و سعادت واقعی زنان جامعه را فراهم سازد و پویایی جامعه را تضمین کند.

مرکز تحقیقات حج به این منظور به انتشار شرح حال عده‌ای از زنان اسوه که در حوادث صدر اسلام نقش داشته‌اند و به لحاظ اخلاقی و تربیتی الگوی زن مسلمان به شمار می‌روند، در دفترهای مختلف دست زده است. نخستین دفتر از زنان اسوه نقش مقدمی داشته و بیشتر زنان صحابی در حوادث صدر اسلام و نظرات کلی اسلام درباره زنان را بیان کرده است، اما دفترهای بعدی شرح حال زنان نامی صدر اسلام است

ص: ۹

که امید است مورد استفاده زنان جامعه و مورد قبول خداوند متعال قرار گیرد.

در پایان مرکز تحقیقات حج بر خود لازم می‌داند از تلاش پژوهشگر محترم جناب آقای دکتر سید محمود سامانی و همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش کرده‌اند، سپاسگزاری نماید.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه تاریخ و سیره

(۱)

۱- ر. ك: آل عمران: ۱۹۵؛ احزاب: ۳۵.

ص: ۱۰

ص: ۱۱

جایگاه زن

زن در نظام ارزشی اسلام، منزلت و جایگاه بلندی دارد برخلاف ادیان و تمدن‌های پیش از آن، که غالباً زنان را به دیده تحقیر می‌نگریستند (۱)، زن در نظام
اسلامی می‌تواند نقش اصلی و بنیادی‌ای را در

۱- تورات، آشکارا زن را دامی برای مردان معرفی می‌کند؛ تورات، سفر جامعه، باب هفتم، آیه ۲۶. همچنین گناه نخستین انسان را به گردن زن می‌اندازد؛ سفر پیدایش، باب سوم، آیه ۶. قرآن بر خلاف تورات، آدم و حوا را مقصر می‌داند؛ بقره: ۳۶؛ اعراف: ۲۰. در «تلمود» آمده است: درآمد زنان از هر راهی که به دست آمده باشد، به شوهرانشان تعلق دارد و شهادت صد زن، برابر شهادت یک مرد ارزش ندارد؛ حقوق زنان در کشاکش سنت و تجدد، محمد حکیم‌پور، ص ۱۰۱. و زن در ردیف چهارپایان و اموال منقول قرار دارد؛ تورات، سفر اعداد، باب هشتم، آیه ۱۱. انجیل نیز زن را اسیر مرد می‌داند و او را به سکون و سکوت و اطاعت منفعلانه از شوهر دعوت می‌کند؛ انجیل، رساله اوا پولس به قرنتیان، باب یازدهم، آیه ۳ و ۴؛ ر. ک: حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، ص ۲۹۶.

متولیان کلیسا نیز زن را جنس دوم و موجب هبوط آدم ع از بهشت می‌دانستند.

در تمدن‌های یونان و روم قدیم، در برخی دوره‌ها منزلت زنان با بردگان همسنگ بوده است؛ تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۱، ص ۵۱؛ المرأة فی ظل الاسلام، عبدالامیر بن منصور الجمری، ص ۳۸؛ نساء حول الرسول، محمود مهدی، مصطفی ابوالنصر، قرآن و مقام زن، سید علی کمالی ص ۱۶.

زن حیوان پلیدی دانسته می‌شد که واجب بود مرد را بندگی و خدمتگزاری کند؛ قرآن و مقام زن، سیدعلی کمالی، ص ۱۵.

ارسطو از فلاسفه معروف یونان می‌گفت: آنجا که طبیعت از آفریدن مرد ناتوان است، زن را می‌آفریند؛ تاریخ فلسفه، ویل دورانت، ص ۱۱۲. در میان فلاسفه مشهور دنیای قدیم، تنها افلاطون نظریات و عقاید نسبتاً بهتری در مورد زنان دارد؛ اما دیگران زن را بدون شخصیت و حقوق انسانی می‌دانستند. ضرب‌المثلی رومی است که می گوید: «زن را نمی‌توان انسان نامید»؛ حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، حکیم پور، ص ۱۰۴.

در تمدن‌های شرقی، مانند هند و چین و ایران نیز، زنان مورد مذمت و تقبیح قرار گرفته‌اند. «بودا»، به پیروانش توصیه می‌کرد که از زنان دوری کنند و حتی به ایشان ننگرند؛ کشف هند، جواهر لعل نهرو، ج ۱، ص ۳۵۳. رسم غیر انسانی ساتی خود سوزی زنان در پی مرگ همسرانشان که در میان هندوها، تا زمان اکبر شاه کورکانی به طور رسمی اجرا می‌شد، نمونه‌ای از بی‌حرمتی و نادیده گرفتن حقّ زنان است.

در چین نیز، زن مصدر ناپاکی و مصیبت دانسته می‌شد و پدر حقّ فروش و حتی قتل زن و فرزند خود را داشت؛ ر. ک: نساء حول الرسول، محمود مهدی، ص ۲۳. در ایران باستان نیز زن حقوق بسیار ناچیزی داشت. ازدواج با محارم و پرداخت نفقه تنها به زن سوگلی ممتاز تعلق داشت و در معرض خرید و فروش قرار دادن زنان، از جمله ستم‌هایی بود که در حقّ زنان اعمال می‌شد. ر. ک: ایران در زمان ساسانیان، کریستن سن، ص ۳۵۰.

در مصر، هر سال برای زیاد شدن آب نیل، دختری را در آن غرق می‌کردند و این رسم تا ورود اسلام به آن سرزمین ادامه داشت؛ صبح الاعشی، قلقشندی، ج ۳، ص ۲۹۱.

ص: ۱۲

سازندگی جامعه ایفا کند. اسلام در مقایسه با دیگر ادیان، به زن توجه ویژه‌ای کرد و برای او حقّ مالکیت، استقلال اقتصادی و حقّ حضور سیاسی‌اجتماعی در امور مهم و سرنوشت‌ساز قائل شد و حقوق انسانی و مدنی زنان را مورد توجه قرار داد، تا آنان مجال ظهور و بروز استعدادها و توانایی‌های خود را برای پیشبرد اهداف متعالی اسلام داشته باشند؛ چرا که اسلام تمامی افراد امت را مسئول اداره امور اجتماعی و سربلندی جامعه می‌داند.

نزول یک سوره از قرآن به نام نساء (زنان)، حاکی از اهمیت و نقش آنان در جامعه است.

قرآن کریم خطاب‌های خویش برای مرد و زن را یکسان قرار داد (۱) و در امور عبادی، تفاوتی میانشان قائل نشد (۲) و از حیث وجودی، آنان را همسان دانست. (۳)

به اعتقاد «گوستاولوبون» مورخ شهیر فرانسوی، این مذهب اسلام بود که زن را از پست‌ترین وضع، به بلندترین مقامات رساند، نه مذهب مسیح؛ چنان‌که

۱- ر. ک: آل عمران: ۱۹۵؛ احزاب: ۳۵.

۲- توبه: ۷۱.

۳- نساء: ۱؛ اعراف: ۱۸۹؛ زمر: ۶؛ ر. ک: زن در آیینه جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی، ص ۴۲ به بعد.

ص: ۱۳

میان مردم شایع است. (۱) بارقه اسلام، عادات زشت جاهلی (چون زنده به گور کردن دختران (۲)) و کشتن آنان را به دلیل فقر (۳) مورد نکوهش قرار داد و پیروان خویش را به احترام و رعایت حقوق زنان و بزرگداشت جایگاه آنان توصیه نمود. اسلام زنان را نیمه‌ای از مردان «النِّساءُ شَقائقُ الرِّجالِ» (۴) دانست و به هویت مشترک هر دو، یکسان نگریست و با توجه به تفاوت ویژگی‌های جسمی، حقوق و وظایف و تکالیف آنان را مشخص کرد.

رسول خدا (ص)، زنان را امانت الهی دانست و بارها سفارش آنان را به مردان نمود و در ماه‌های آخر عمر شریف خود و در مراسم حجةالوداع بر آن تأکید نمود. آن حضرت در حکومت نه چندان طولانی خود، زنانی را که در اجتماع مسلمانان نقش برجسته‌ای در جهت تقویت پایه‌های دین ایفا کرده بودند، ستود و وعده‌های معنوی بزرگی به آنان داد. از این رو، زنان در دولت نبوی در عرصه‌های مختلف سیاسی،

۱- تمدن اسلام و عرب، گوستاولوبون، ص ۵۰۹.

۲- تکویر: ۹.

۳- انعام: ۱۵۱؛ اسراء: ۳۱.

۴- الجامع الصغیر، سیوطی، تصحیح احمد عبد السلام؛ التمهید، ابن عبدالبر، ج ۸، ص ۳۳۷.

ص: ۱۴

اجتماعی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی به ایفای نقش پرداختند و رسول خدا (ص) را در اهدافش یاری دادند.

در این نوشتار، با استفاده از منابع سیره نبوی و دیگر منابع مرتبط با موضوع، از نقش‌های زنان در عرصه‌های گوناگون به اختصار سخن گفته شده تا با الگو قرار دادن آنان، زنان امت اسلامی، راه پر فتوح آنان را استمرار دهند و در حکومت اسلامی، با شناخت عرصه‌های حضور، نقشی سترگ ایفا نمایند. قابل ذکر است که در عصر نبوی، حضور زنان در عرصه مدیریت‌های اجتماعی و نظامی چندان معهود و متعارف نبود؛ اما ارتقای سطح حضور زنان در جامعه و نوع برخورد با آنان، زمینه مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان را فراهم ساخت.

ص: ۱۵

ص: ۱۶

۱- نقش سیاسی- اجتماعی زنان

اشاره

منابع دینی (قرآن و سنت) با اصل مشارکت سیاسی زنان، مخالفتی ندارند و اگر در عصر رسول‌خدا (ص) آن‌گونه که انتظار آن می‌رفت، زنان در امور سیاسی- اجتماعی، مشارکت گسترده نداشتند، ناشی از خصلت و روح جمعی مردم و همچنین ظرفیت اجتماعی آن جامعه بوده است. ازاین‌رو، مشارکت سیاسی زنان در آن عصر، علی رغم این که آن حضرت، بسیاری از موانع و محدودیت‌ها را در حدّ امکان از پیش‌روی زنان مسلمان، برداشت و خواستار مشارکت آنان در مسایل اجتماعی شد؛ اما به طور کامل، زمینه اجتماعی مساعدی، برای بروز نیافت و تمایل آن جامعه، علی‌رغم کوشش پیامبر، بیشتر به محدودیت مشارکت اجتماعی زنان بود تا توسعه آن؛

ص: ۱۷

چنان‌که عمر بن خطاب گواهی می‌دهد که ما در جاهلیت، زنان را چیزی به حساب نمی‌آوردیم؛ پس زمانی که اسلام آمد و خداوند از ایشان یاد کرد، ما بدون آنکه زنان خود را در امری دخالت دهیم، دریافتیم که ایشان را بر ما حقّی است. (۱)

با توجه به آنچه گذشت، هر چند در صدر اسلام آن‌گونه که رسول‌خدا (ص) می‌خواست، مشارکت زنان در امور سیاسی- اجتماعی تحقق نیافت؛ اما زمینه‌ای شد برای ابراز عقیده و بیان موضع سیاسی؛ چنان‌که پس از رحلت پیامبر، حضرت فاطمه (س) به حمایت از امیرمؤمنان (ع)، به انتقاد صریح از حکومت پرداخت و یا امّ‌سَلَمه، همسر رسول خدا (ص) در ماجرای غصب «فدک» که صحابه و بزرگان سکوت اختیار کرده بودند، شجاعانه در برابر خلیفه ایستاد و از زهرای اطهر دفاع کرد. (۲)

این بسترسازی، موجب شد تا برخی زنان در دوره‌های بعدی، مسئولیت‌هایی را عهده‌دار شوند؛ چنان‌که «سَمراء بنت نهیک» و «شفاء بنت عبدالله» در عصر خلفا، به کار حسبه (نظارت بر بازار)

۱- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۱۴.

۲- سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، ج ۴، صص ۲۲۹ و ۲۳۰.

ص: ۱۸

مشغول بودند. (۱)

آزادی عقیده و بیان را اگر جوهر و نقطه قوت دعوت دینی پیامبر بدانیم، به هیچ روی، مجاز به انحصار آن به زندگی سیاسی جامعه مردان نخواهیم بود. مدینهٔ النبی به عنوان مدل و تراز یک جامعه اسلامی، حداقل چنین انحصاری را طرد می‌کند و محدودیتی برای فعالیت سیاسی زنان قایل نشده است؛ ولی طبیعت زنان و کارکردهای خاصّ ناشی از آن و عرف و فرهنگ جوامع، مانع دخالت بیشتر زنان در امور سیاسی در حکومت پیامبر و پس از آن شده است. موارد ذیل، گوشه‌ای از نقش زنان در امور سیاسی است:

الف) بیعت

بیعت از سنت‌های مهمّ عصر جاهلی است که به دوره اسلامی راه یافت و مورد تأیید اسلام قرار گرفت. بیعت در اسلام، جلوه‌ای از حقّ انتخاب است که زنان با انجام آن استقلال و مسئولیت اجتماعی خود را اعلام می‌کنند. بیعت زنان را می‌توان گوشه‌ای از مشارکت سیاسی زنان دانست که با شرایط و

۱- المعجم‌الکبیر، طبرانی، ج ۲۴، ص ۳۱۱؛ الاستیعاب، ابن عبد البر، ج ۴، ص ۳۴۱؛ مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۹، ص ۲۶۴.

ص: ۱۹

الزاماتی برای بیعت‌کنندگان همراه بود. اختصاص آیه‌ای از قرآن (۱) به بیعت زنان، نشان از اهمیت آن دارد.

مورخان و مفسران از زنان زیادی یاد کرده‌اند که با رسول خدا (ص) بیعت کرده‌اند. گویا در مکه، صرف پذیرش اسلام از سوی زنان و ذکر شهادتین، کفایت می‌کرد و بیعت محسوب می‌شد؛ هر چند برخی منابع، با قید «اسلَمَت قَدیماً بِمَکَّهٔ وَ بایَعَت»؛ «در مکه اسلام آورد و بیعت کرد»، توصیف شده‌اند؛ اما اینکه با چه شرایطی در این دوره، بیعت را انجام داده‌اند، گزارشی ارائه نشده است؛ اما با هجرت آن حضرت به «یثرب»، بیعت زنان با شرایط خاصّی همراه بود که گاه زنان به طور مستقیم با رسول خدا (ص) و گاه غیرمستقیم با نماینده آن حضرت بیعت می‌کردند.

سیره‌نویسان، بیعت دو تن از زنان خزرجی به نام‌های «امّ‌عُماره نَسیبه» دختر «کَعْب مازنی» و «امّ‌مَنیع اسماء» دختر «عَمرو بن عَدِی سَلمی»، در پیمان عقبه دوم (سال ۱۳ بعثت) را نخستین بیعت زنان یثربی با پیامبر می‌دانند. (۲)

۱- ممتحنه: ۱۲.

۲- سیره ابن هشام، عبدالملک بن هشام، ج ۲، ص ۸۸؛ الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۸، صص ۳۰۰ و ۹۳۰۴.

ص: ۲۰

در گزارشی آمده است: هنگامی که پیامبر در یثرب استقرار یافت، زنان انصار در خانه‌ای جمع شدند و آن حضرت یکی از صحابه را برای گرفتن بیعت نزد آنان فرستاد. نماینده رسول خدا (ص) خطاب به حاضرین گفت:

من فرستاده پیامبر هستم. با آن حضرت بیعت کنید و به خدا شرک نورزید، مرتکب دزدی و زنا نشوید و ...

و زنان انصار آن موارد را پذیرفتند و بر اساس آن بیعت کردند. (۱)

«امّ‌عامر اشهلیّه» می‌گوید: همراه برخی زنان، نزد رسول‌خدا (ص) رفتیم و گفتیم: برای بیعت آمده‌ایم. آن حضرت فرمود: «شکر خدا را که شما را به اسلام هدایت کرد. بروید که با شما بیعت کردم». (۲)

در (سال ششم)، در جریان صلح حدیبیه، چند زن نیز همراه مسلمانان بودند. چون بیعت رضوان انجام گرفت، امام علی (ع) به نیابت از پیامبر، از زنان بیعت گرفت. (۳) در نقل دیگر آمده است: «در حدیبیه چهار زن حضور داشتند که رسول خدا (ص) در چادر آنان، از

۱- الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۸، ص ۷.

۲- همان، ص ۸.

۳- الارشاد، شیخ مفید، صص ۶۰- ۶۲.

ص: ۲۱

ایشان بیعت گرفت». (۱)

در فتح مکه (سال هشتم) نیز، زنان مکه با شرطهایی، با رسول خدا (ص) بیعت کردند. (۲) جالب آن است که مطابق گزارشی، در این غزوه، پیامبر به «امیّه» (امَیمَه)، خواهر حضرت خدیجه دستور داد از زنان بیعت بگیرد و بیعت او را به رسمیت شناخت. (۳) این مطلب از این جهت درخور اهمیت است که برخی زنـان به عنوان نماینـده و کارگزار رسول خـدا (ص) عمل می‌کردنـد و مأموریت سیاسی داشتند.

مفاد بیعت زنان و مردان با هم فرق داشت. آیه دوازدهم سوره مبارکه ممتحنه، به این مفاد اشاره دارد:

یا أَیُّهَا النَّبِی إِذا جاءَکَ الْمُؤْمِناتُ یُبایِعْنَکَ عَلی أنْ لا یُشْرِکْنَ بِاللهِ شَیْئاً وَ لا یَسْرِقْنَ وَلا یَزْنِینَ وَلایَقْتُلْنَ أَوْلادَهُنَّ ... (ممتحنه: ۱۲)

ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمنی نزد تو آینـد تا با تو بیعت کنند که بر خدا شـرك نورزند، دزدی نکنند، زنا ننمایند، فرزندان خود را نکشند ...

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۸.

۲- همان.

۳- ر. ك: روض الجنان، ابوالفتوح رازی، ج ۱۹، ص ۱۷۱؛ دائرة المعارف تشیع، صدر احمد حاج سید جوادی، ج ۳، ص ۵۸۶.

ص: ۲۲

در چگونگی بیعت زنان، چهار نظریه وجود دارد:

یک- رسول خدا پارچه‌ای به دست خود می‌پیچید و زنان با دست دادن، با آن حضرت، بیعت می کردند. (۱)

دو- پارچه‌ای پهن می‌شد و پیامبر یک طرف پارچه و زنان طرف دیگر پارچه را می گرفتند و این گونه با پیامبر (ص) بیعت می کردند. (۲)

سه- رسول خدا (ص) دستان خود را در ظرف آبی فرو می‌برد؛ سپس زنان دستانشان را در آن فرو می‌بردند. (۳)

چهار- بیعت زنان صرفاً کلامی بوده و پیامبر (ص)، هیچ گاه با زنان مصافحه نکرده است. (۴)

بیعت یکی از حساس‌ترین امور سیاسی اسلام است. خداوند در قرآن کریم اجر وفاداران بر بیعت را اجر بزرگی دانسته است. (۵)

بیعت در حقیقت، اعلام اطاعت از قوانین اسلامی و پذیرفتن رهبری حکومت اسلامی توسط پیامبر است که زن و مرد، هر دو بدان

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۵.

۲- روض الجنان، ج ۱۹، صص ۱۶۹- ۱۷۱.

۳- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۱.

۴- همان، ص ۵؛ مسند، احمد بن حنبل، ج ۷، ص ۲۲؛ بحارالانوار، مجلسی، ج ۷، ص ۱۵۷.

۵- فتح: ۱۰

ص: ۲۳

پرداخته‌اند. (۱)

ب) مشورت

آنجا که خداوند پیامبر را به مشورت با یارانش مأمور می‌کند، زنان را استثنا نمی‌کند. (۲) اسلام، مردم را از مشاوره با زنان به صورت مطلق نهی نکرده است؛ بلکه، از مشاوره با زنانی نهی کرده که به کمال عقلی نرسیده‌اند و یا برخی دیگر از صفات مشاوره را ندارند. با نگاه به سیره نبوی روشن می‌شود که آن حضرت با انگیزه‌های مختلفی درباره برخی امور با زنان مشورت می‌کرده است و حتی نظر برخی زنان بیگانه، نزد رسول خدا (ص) محترم بود. (۳)

گاهی زنان در تصمیم‌گیری‌های رسول خدا (ص) و مسایل مهم شرکت می‌کردند و آن حضرت به پیشنهادهای آنان گوش می‌داد که گاهی در مذاکرات تعیین‌کننده بود؛ چنان‌که در صلح حدیبیّه با اهل مکه (در سال ششم) که برخی صحابه آن را کوچک کردن

۱- زن، دین، سیاست، زهرا آیت‌اللهی، ص ۲۶.

۲- آل عمران: ۱۵۹؛ شوری: ۳۸.

۳- بررسی شیوه‌های رفتار پیامبر با زنان، مجموعه مقالات همایش بین المللی سیره شناختی ...، طیبی، ج ۲، ص ۷۶۸.

ص: ۲۴

خود در مقابل دشـمن دانسـته و با آن مخالفت می‌کردند، پیامبر (ص) سـرانجام، پیشـنهاد یکی از همسـرانش را به اجرا گذاشت. در این خصوص آمده است:

وقتی پیمان صلح با قریش منعقد شد، پیامبر (ص) خطاب به یاران خود فرمود: بپاخیزید، قربانی کنید و سرخود را بتراشید؛ هیچ کس به آن حضرت پاسخ مثبت نـداد تا جایی که چنـدین بار سـخن خود را تکرار کرد. وقتی کسـی اجابت نکرد؛ آن حضـرت پیشـنهاد ام‌سلمه را مبنی بر اینکه پیامبر (ص) بدون توجه به مسلمانان به تراشیدن سر خود و قربانی اقدام کند، پذیرفت. این پیشنهاد مؤثر واقع شد و صحابه بعد از حضرت، سر تراشیده و قربانی کردند. (۱)

ج) امان دادن به پناه‌جویان

پناهندگی سیاسی، از رسوم عرب جاهلی است که اسلام آن را امضا کرد. این سنت، بارها در تاریخ صدر اسلام نمود یافته است که به چند مورد اشاره

۱- تاریـخ یعقوبی، یعقوبی، ج ۲، ص ۲۶۷؛ انساب الاشـراف، بلاذری، ج ۷، ص ۱۲۳؛ پس از رحلت رسول خـدا ص نیز با ام‌سـلمه رایزنی می‌شـد؛ چنـان‌که جابر بن‌عبـدالله انصاری پس از واقعه حرّه، در سال ۶۳ ه. ق در خصوص بیعت بـا یزیـد با او مشورت کرد؛ الاصابه، ابن حجر، ج ۴، ص ۱۰.

ص: ۲۵

می‌شود.

در سال پنجم و در غزوه خندق، «رِفاعَهٔ بن سَـموئیل» یهودی، از جمله کسانی بود که برای نجات خود به زنی از قبیله «خزرج» و از تیره «بنی‌نجار» متوسل و پناهنده شد. پیامبر به حرمت این خانم که «سَلمی» نام داشت، از قتل رفاعه صرف‌نظر کرد. (۱)

در سال ششم، در سریه «زید بن حارثه» و در منطقه «عیص»، چند تن از مشرکین به اسارت در آمدند؛ همسر زینب دختر رسول خدا (ص) «ابوالعاص بن رَبیع»، از جمله آنان بود که از زینب امان خواست. بنا به گزارشی، هنگامی که رسول خدا (ص) نماز صبح را خواند، زینب با صدای بلند اعلام کرد که من به ابوالعاص پناه داده‌ام. پیامبر پس از شنیدن سخن زینب، به همراهانش گفت: کسی را که دخترم پناه داده، ما هم پناه داده‌ایم. (۲)

حقّ جوار قائل شدن آن حضرت برای زینب، بدان معنا است که از مسلمانان نیز این انتظار را دارد که

۱- مغازی، محمد بن عمر واقدی، ج ۲، ص ۳۹۸؛ سیره، ابن هشام، ج ۳، صص ۲۶۹- ۲۶۸.

۲- مغازی، ج ۲، ص ۴۱۸؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۳؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۵۲.

ص: ۲۶

حقّ جوار زن مسلمان را به رسمیت بشناسند.

از دیگر موارد امان دهی آن است که در فتح مکه (سال هشتم) «امّ‌هانی» دختر ابی‌طالب و «امّ‌حکیم» دختر «حارث بن هشام» (همسر عَکرَمهٔ بن ابی‌جهل)، به پناه‌جویان خود امان دادند و امان آنها از سوی رسول‌خدا (ص) پذیرفته شد. «حارث بن هشام» و «زُهیر بن ابی‌امیّه» از کسانی بودند که به ام‌هانی پناهنده شدند. زن عکرمه نیز که مسلمان شده بود، برای شوهرش امان گرفت و او را که به واسطه دشمنی‌هایش با پیامبر به یمن فرار کرده بود، بازگرداند. (۱)

دختر مغیره نیز از زنانی است که برای همسرش، «صَفوان بن امیّه» امان گرفت. (۲)

رسول خدا (ص) حتی در مواردی آزادسازی اسرا را که از سوی برخی زنان صورت می‌گرفت، پذیرفت؛ چنان‌که در سریه «عُیَینهٔ بن حِصْن»، عایشه یکی از اسرا را آزاد کرد و پیامبر مخالفتی نکرد.(۳)

۱- سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۸۷۵؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۵۷۷؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۳۶.

۲- اسد الغابه، ج ۵، ص ۶۳۱.

۳- سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۱۰۳۸.

ص: ۲۷

د) حضور در جمعه و جماعات

زنـان از حضور در مسـجد که محل تصـمیم‌گیری‌های مهمّ حکومتی بود و نیز نماز جمعه که از شـعارهای سیاسـی- عبادی به شـمار می‌رفت، منع نشدنـد. «امّعطیه» نقـل می‌کنـد: «رسول خـدا (ص) به مـادران و دختران بالغ اجازه داد تا روزهای عیـد فطر و قربان در جماعات حضور پیدا کنند». (۱)

طبق روایاتی، رسول خـدا (ص) در اعیاد، دختران و زنانش را به همراه می‌برد. از «امّحبیبه، خوله بنت قیس» نقل شده که روز جمعه، من در آخر صف زنان بودم و خطبه و قرائت پیامبر را می‌شنیدم.

رسول خدا (ص) به «مُصعَب بن عُمَیر» فرمود:

در روز جمعه، هنگام نیم‌روز، زنان و فرزندان خود را گرد آورید و با خواندن دو رکعت نماز به خداوند نزدیک شوید. (۲)

در روایت دیگری آمده که روزی رسول خدا (ص) مردم را به نمازجمعه ندا داد، کنیز ام‌سـلمه همسـر رسول خدا به شانه کردن سـر او مشغول بود که

۱- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۲۸۷؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۹۶.

۲- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۸۳.

ص: ۲۸

امسلمه سخن پیامبر (ای مردم) را شنید. پس به کنیزش گفت، این کار را به بعد واگذار. کنیز گفت: «رسول‌خدا (ص) مردان را فرامی‌خواند نه زنان را». امسلمه پاسخ داد: «من جزو مردم هستم». (۱)

ه) پاسخ به جنگ روانی دشمن

زنان مسلمان به هنگام لزوم، به تبلیغات زهرآگین دشمن جواب دندان شکنی می‌دادند و توطئه آنان را خنثی می‌کردند. چنان‌که در غزوه احد، هند، همسر ابی‌سفیان پس از مُثله‌کردن پیکر حمزه سیدالشهدا، بالای سنگی رفت و اشعاری سرود. یکی از زنان مسلمان حاضر در نبرد، فوراً به پاسخگویی او پرداخت. (۲) برخی منابع، نام این زن را هند دختر «اثاثه» یا «ابان بن عَبّاد بن عبدالمطلب» دانسته‌اند. (۳) همچنین زمانی که «کَعب بن اشرف» یهودی، در اشعار خود به تَغزّل و

۱- صحیح مسلم، ج ۱۵ ص ۵۶؛ برخی منابع روایی در این خصوص مطالبی تحت عنوان «باب خروج النساء الی المساجد» و «باب موعظة الامام النساء یوم العید» دارند. ر. ک: صحیح بخاری، ج ۲، ص ۵۶؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱.

۲- سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۶۰۷؛ البدایة و النهایه، ابن کثیر، ج ۴، ص ۴۲؛ سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی، ج ۴ ص ۲۱۸.

۳- اسد الغابه، ج ۵، ص ۵۵۹؛ الاصابه، ج ۴، ص ۴۲۲.

ص: ۲۹

معاشقه با زنان مسلمان پرداخت، زنی از انصار حرمت‌شکنی وی را پاسخ داد. (۱)

و) مبارزه سیاسی

حفظ اعتقادات و پایبندی به دین مبین اسلام، صبر و استقامت در مقابل توطئه‌های دشمن و حفظ آرمان، نوعی مبارزه سیاسی بر ضد دشمن است. در جوّ اختناق‌آمیز مکه، برخی از نخستین مسلمانان، زنان بودند. حضرت خدیجه نخستین زنی بود که اسلام را پذیرفت و تمام هستی خود را وقف پیشبرد اهداف پیامبر کرد و با تمام سختی‌ها، محدودیت‌ها و گرفتاری‌هایی که مشرکان برای خاموش کردن دعوت اسلامی انجام دادند، ساخت و از اعتقاد خود برنگشت. سُمیّه، مادر عمّار از دیگر زنان پیشگام در اسلام است. وی شکنجه‌های دردناک مشرکان را تحمل کرد و سرانجام به شهادت رسید. (۲)

به جز سمیه، در مکه عده‌ای از زنان مستضعف بودند که به طور مداوم مورد شکنجه مشرکان واقع

۱- المحبر، ابن حبیب بغدادی، صص ۸۱ و ۸۲؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۲۳؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲- سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۱۱؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۶۴.

ص: ۳۰

می‌شدنـد. «لبینه»، کنیز خانـدان عُدیّ، «زنیره»، کنیز بنی‌مخزوم یا بنی‌عدی و «امّ‌عبیس» از بردگان بنی‌زهره از آن‌جمله‌اند. (۱) مطابق گزارشـی، مشرکان، زن مسلمانی به نام «امّ‌شریک» را برای بازداشتن از اسلام سه روز از خوراک منع کردند، اما او تحمل کرد. (۲) مقاومت او و لطف الهی موجب شد تا مشرکان همراه او به حقانیت اسلام پی برده و مسلمان شدند.

مهـاجرت از راه‌هـای دیگر مبارزه سیاسـی است. در این میـدان مبارزه نیز، زنان همگام با مردان، مشارکت داشـتند. چنان‌که در میان مهـاجران به حبشه، چنـد تن از زنـان حضور داشـتند. رقیه، دخـتر رسول خـدا (ص)، سوده، دخـتر قِیس بن عبـد شـمس، اسـماء بنت عُمَیس، ام‌حبیبه، دختر ابی‌سـفیان و امّ‌سَلمه مخزومی از آن جمله‌اند. (۳) هجرت از دیار شـرک برای حفظ ایمان و تبلیغ اسلام، خود نوعی مبارزه سیاسـی بر ضد حاکمیت شـرک است. تحمل مشـکلات در دیار غربت، جز برای کسـی که عاشق پیامبر و اسلام باشد، کار آسانی نیست.

با هجرت رسول خدا (ص) به مدینه، بعضی از زنان

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۵۵؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۶۳.

۲- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۲۳؛ المحبر، ص ۸۱.

۳- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۰۴.

ص: ۳۱

مسلمانی که نتوانسته بودند دست به هجرت بزنند، برای نجات از محیط شرک‌آلود مکه، زمینه هجرت خود را فراهم ساخته و با سختی هر چه تمام‌تر و حتی به تنهایی هجرت کرده و به پیامبر در مدینه پیوستند. امَیمه بنت بِشر (۱)، امّ‌کلثوم، دختر عُقبَه (۲)، و امّ‌شریک دوسی (۳) از آن جمله‌اند. ام‌سلمه مخزومی که بعدها به همسری رسول خدا (ص) درآمد، از زنانی بود که به رغم مخالفت‌های سرسختانه خویشانش، به مدینه هجرت کرد. (۴)

آیات ۹۷ و ۹۸ سوره نساء، به صراحت بیان می‌دارد که زنان، چون مردان وظیفه دارند تا از سرزمین کفر هجرت نمایند. هجرت زنان مسلمان، اقدامی سیاسی است که ابعاد مختلفی دارد؛ از سویی به معنای طرد و نفی نظام حاکم بر جامعه است و از سوی دیگر، به مفهوم ابلاغ پیام آیین جدید به مراکز مستعد است. علاوه بر آن، هجرت اساسی‌ترین اقدام جهت تأسیس حکومت اسلامی و تقویت حکومت

۱- الاصابه، ج ۸، ص ۳۰.

۲- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۸۳؛ مغازی، ج ۲، ص ۶۲۹؛ الاصابه، ج ۸، ص ۴۶۳.

۳- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵۷؛ الاصابه، ج ۸، ص ۴۱۶.

۴- الاستیعاب، ابن عبد البر، ج ۴، ص ۴۹۳؛ الاصابه، ج ۸، ص ۴۰۴.

ص: ۳۲

نوپا خواهد بود.(۱)

ز) حفظ اسرار

حفظ اسرار، خود نوعی کار سیاسی است. (۲) به موجب گزارشی، اسماء دختر ابی‌بکر، که به هنگام هجرت پیامبر به یثرب، برای آن حضرت و همراهانش، غذا برده و از مکان اختفای آنان آگاهی داشت، وقتی مورد بازجویی مشرکان که در تعقیب رسول خدا (ص) بودند، قرار گرفت، اسرار خود را فاش نکرد و از ابوجهل سیلی خورد. (۳)

۱- زن، دین، سیاست، ص ۳۱

۲- علاوه بر موارد یاد شده، برخی زنان در زمره خدمتکاران رسول خدا ص بودند. اسماء بنت یزید بن سکن، در برخی مواقع، ساربان و زمامدار شتر رسول‌خدا ص بود. تاریخ المدینهٔ المنوره، ابن شبه، ج ۱، ص ۴۱۵؛ هند و اسماء، دختران حارثه اسلمی نیز از دیگر خدمتکاران آن حضرت بودند. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۵۶۶.

۳- سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۳۳۷؛ سبل الهدی و الرشاد، ج ۳، ص ۲۴۶.

ص: ۳۳

ص: ۳۴

۲- نقش نظامی زنان

اشاره

در فقه اسلامی جهاد برای دفاع از سرزمین اسلام، بر زن و مرد مسلمان واجب شده است. در جهاد ابتدایی نیز، زنان می‌توانند شرکت کنند و تنها از نبرد رودر رو با دشمن منع شده‌اند که آن هم علت خاصی دارد.

رسول خدا (ص) نه تنها زنان را در جنگ‌ها شرکت می‌داد و به آنها نقش واگذار می‌کرد؛ بلکه از غنایم به‌دست آمده، برای آنان سهمی منظور می‌کرد؛ چنان‌که در غزوه خیبر (سال هفتم)، بخشی از غنایم را میان ایشان تقسیم کرد. (۱) در غزوه بنی‌قریظه (سال پنجم) نیز، زنی به نام «نسیبه» حضور داشت و از

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۶.

ص: ۳۵

غنایم سهمی برد. (۱)

از کنـار هم گذاشـتن گزارش‌هـا در خصوص حضور زنـان در جبهه‌هـای نـبرد، چنین برمی‌آیـد که پیـامبر به آن دسـته از زنـانی که داوطلب اعزام می‌شدنـد و مهـارت لازم را برای کارهـای جبهه، مثل مـداوای مجروحان، آشپزی، دوختن مشک‌ها و ... داشـتند و از شجاعت لازم نیز برای حضور در صـحنه جنگ برخوردار بودنـد، اجازه حضور می‌داد. تجربه از دیگر ملاک‌های شـرکت در نبردها بود. با نگاهی به نام زنان حاضر در غزوات، این مطلب ثابت می‌شود که برخی زنان در چندین نبرد حضور داشته‌اند.

بـاری، زنـان صـدر اسـلام با تأییـد شـخص رسول‌خـدا (ص)؛ به ویژه برای مـداوای مصـدومان و مجروحان جنگ، به طور داوطلبانه رهسپار جبهه‌ها می‌شدند. غیر از نبرد بدر که گزارشی از حضور زنان در آن نشده و در ابتدا بنای بر نبرد با قریش نیز نبوده است، در غزوات دیگر بسـته به اهمیت غزوه، گزارش‌هـایی از شـرکت زنان، و ایفای نقش مؤثر آنان، ارائه شـده است. در منابع، دست‌کم نام ۳۴ زن در صحنه‌های نظامی دیده می‌شود

۱- مغازی، ج ۲، ص ۵۷۴.

ص: ۳۶

که در ۱۲ غزوه حضور داشته‌اند. در این میان نبرد خیبر با شرکت حدود ۲۰ زن (۱) و غزوه احد با حضور ۱۴ زن (۲)، بیشترین مشارکت زنان را داشته است.

ام سلمه با شرکت در هشت غزوه (احد، خندق، خیبر، حدیبیه، فتح مکه، حنین، طائف و تبوک) بیشترین حضور را داشته است. امعُمّارَه نیز با شرکت در هفت غزوه در رتبه دوم قرار دارد. (۳)

نام برخی زنان که در غزوات حضور داشته‌اند عبارتند از: حضرت فاطمه (س)، عایشه، امایمن، حَمْنَهٔ بنت جَحْش، سمیرا بنت قیس، نسیبه و امسلیم، در نبرد احد، نفیسه و بحینه، دختران أرت (الحارث) بن مطلب، ام‌حبیبه بنت جحش، خدیجه و هند، دختران حصین، امعماره، صفیه، امّایمن، امّسَنان اسلمیه و امّسلیم در غزوه خیبر حضور داشتند. (۴)

در این نبرد، گروهی از زنان بنی‌غفار نزد رسول خدا (ص) آمدند و اجازه شرکت خواستند که آن حضرت با حضور آنان

۱- ر. ك: حضور زنان مسلمان در عرصه‌های نظامی در عصر رسول خدا ص، مرادی خلج، ص ۱۰۶۲ به بعد.

۲- مغازی، ج ۱، ص ۲۴۹؛ دلائل النبوه، بیهقی، ج ۳، ص ۲۱۴.

۳- ر. ك: الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۰۳، الاستیعاب، ج ۴، ص ۵۰۳.

۴- مغازی، ج ۲، ص ۶۸۵.

ص: ۳۷

موافقت نمود. (۱) از دیگر زنان نقش‌آفرین در عرصه نظامی، می‌توان از کعیبه بنت سعد، صفیّه بنت عبدالمطلب، امّعُمارَه، امّسلیط، امّالعَلاء، سمیرا بنت قیس و مادر سَعد بن معاذ یاد کرد که در نبرد با بنی‌قریظه به ایفای نقش پرداختند. (۲)

زنان حاضر در نبردها گاهی از غنایم به دست آمده بهره‌مند می‌شدند؛ چنان‌که در نبرد خیبر به هر زن حاضر سهم یک مرد، تعلق گرفت. ابن سعد نام زنانی را که از غنایم خیبر سهمی به آنها اختصاص داده شد را ذکر کرده است. (۳) بنابر نقلی، در خیبر دو زن باردار حضور داشتند که هر دو، بین راه وضع حمل کردند و پیامبر برای نوزادان و مادرانشان پاداش ویژه‌ای قرار داد. (۴)

در سریّه‌ها از حضور زنان گزارشی ارائه نشده است.

پس از اثبات حضور زنان در صحنه‌های نظامی، به مواردی از نقش‌ها و وظایف آنان در جبهه‌ها اشاره می‌شود:

۱- مغازی، ج ۲، ص ۶۹۴؛ سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۸۰۴.

۲- مغازی، ج ۲، ص ۶۹۴.

۳- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۰۶.

۴- ر. ک: بررسی شیوه‌های رفتار پیامبر با زنان، مجموعه مقالات همایش بین المللی، ص ۷۵۹ به بعد.

ص: ۳۸

الف) مداوا و پرستاری مجروحان

مطابق گزارشی، برخی زنان در صحنه نبرد حاضر شده و به پانسمان کردن جراحت رزمندگان می‌پرداختند. چنان‌که نقل شده امایمن که رسول‌خدا (ص) او را مادر خطاب می‌کرد، همواره در کنار زنان مجاهد به مداوای مجروحان می‌پرداخت. (۱) «نسیبه»، دختر حارث انصاری می‌گوید: «در هفت جنگ، همراه پیامبر بودم و مجروحان را مداوا می‌کردم». (۲)

«رفیده» یا «کعیبه»، دختر سعد، در نبرد خندق در مسجد پیامبر خیمه زده و مجروحان را مداوا می‌کرد. (۳) هنگامی که سعد بن معاذ از بزرگان انصار، مجروح گردید، به دستور پیامبر وی را جهت مداوا به خیمه رفیده بردند. (۴) وی زنی بود که خود را وقف خدمت به مجاهدان کرده بود. گویا او اولین پرستار در اسلام بوده است. (۵)

امسنان اسلمیه، وقتی داوطلب شرکت در جنگ شد، نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت: «من برای مداوای مجروحان در جنگ شرکت می‌کنم». پیامبر به ایشان

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۲۵؛ الاصابه، ج ۳، ص ۶۴.

۲- اسد الغابه، ج ۵، ص ۶۰۳؛ الاصابه، ج ۴، ص ۴۷۷.

۳- اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۵۴.

۴- سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۷۲۰؛ الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۹۱.

۵- ر. ك: الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۳۸.

ص: ۳۹

اجازه داد و فرمود: «به دوستان تو از قبیله اسلم و غیر آن هم اجازه می‌دهم در نبرد شرکت کنند». (۱)

امیّه دختر قِیس بن ابی‌الصلت غفاری، جهت حضور در نبرد خیبر، برای کمک به مصدومان و امور تدارکاتی، نظر پیامبر را جویا می‌شود و آن حضرت با شرکت وی موافقت می‌کند و پس از نبرد، گردنبندی به وی عطا می‌کند. (۲)

ب) آبرسانی و دوختن مشک‌ها

اشاره

برخی از زنان حاضر در نبردها، برای رزمندگان آب و نان حمل می‌کردند. به موجب نقلی، «ربیع» دختر «مُعوذ بن عَفراء»، از آب‌رسانان و خدمه مجاهدین بود. (۳) از برخی زنان حاضر در نبردها گزارش شده که ما برای رساندن آب به رزمندگان، با سپاه اسلام همراه می‌شدیم (۴)ام‌ایمن (۵) و حَمنَه بنت جحش (۶) از دیگر زنانی هستند که نقش آبرسانی را در صحنه‌های نظامی

۱- مغازی، ج ۲، ص ۶۸۶.

۲- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۹۶؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۰۵.

۳- اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۵۱.

۴- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۲۵.

۵- همان.

۶- همان، ص ۲۴۱.

ص: ۴۰

برعهـده داشـتند. قابـل ذکر است که سـقایی پیشه‌ای بوده که تـا این اواخر در ممالک اسـلامی رایـج بوده و برخی زنان به این پیشـه مشغول بوده‌اند.

ج) آشپزی

امّ‌عطیّه در جبهه‌ها حاضر می‌گردید و برای رزمندگان آشپزی می‌کرد. «(۱)

د) رساندن تیر و سلاح به خطّ مقدم

جمع‌آوری تیرها و رسانـدن آنها به دست رزمنـدگان، از دیگر کارهای زنان در جنگ بود. چنان‌که در گزارشـی آمده است: امّ‌زیاد أشـجعیّه، قبـل از عزیمت سـپاه پیـامبر به خیبر، به آن حضـرت عرض کرد: ما برای رسانـدن تیر و نوشانیـدن سویق (نوعی شـربت) به رزمندگان با آنان همراه می‌شویم. (۲)

ه) حمل کشته‌شدگان و مجروحان

در غزوه احد، هند، دختر «عمرو بن حزام» تصمیم داشت، اجساد مطهر سه تن از شهدا را به مدینه حمل

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۵۵.

۲- الآحاد و المثانی، ابن ابی‌عاصم، ج ۶، ص ۸۱؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۲۵، ص ۱۳۷.

ص: ۴۱

کند (۱) که به فرمان رسول خدا (ص) منصرف شد و در احد دفن شدند. در گزارشی آمده است:

کُنّا نَغْزُو مَعَ رَسُول الله وَنَردُّ الْقَتلی وَ الْجَرحی إلَی المدینه. (۲)

ما همراه رسول خدا در جنگ شرکت می‌کردیم و کشته‌ها و مجروحان را به مدینه انتقال می‌دادیم.

ربیع دختر معوذ بن عفراء انصاری در جبهه شرکت می‌کرد و اجساد شهدا را به مدینه حمل می‌کرد. (۳)

و) نبرد در وقت ضرورت

برخی زنان شرکت‌کننده در نبردها به همراه خود سلاحی داشتند تا به گاه لزوم از خود و پیامبر دفاع کنند. از زنانی که در شرایط حسّاس با دشمن به طور مستقیم درگیر شدند، می‌توان از ام‌سلیم، صفیه و ام‌عماره یاد کرد. ابن سعد به نقل از نسیبه دختر «کعب بن عمرو خزرجی»، مشهور به امّ‌عُمارَه، آورده است: «چون در جنگ احد، مسلمانان گریختند، نزد پیامبر آمدم و با شمشیر زدن و تیراندازی از او دفاع

۱- شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۴، ص ۲۶۲.

۲- مغازی، ج ۱، ص ۲۶۵.

۳- اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۵۲.

ص: ۴۲

کردم تا مجروح شدم».

بنا به نوشته واقدی، ام‌عماره در دفاع از رسول‌خدا (ص) زخم عمیقی در گردنش پیدا شد که تا یک سال التیام نیافت. (۱) از پیامبر نقل شده که به چپ و راست نگاه می‌کردم، غیر از ام‌عماره را نمی‌دیدم که از من دفاع می‌کرد و شمشیر می‌زد. (۲)

ام‌عماره در عین حال که چند زخم بر بدن داشت، فرزندش را به مبارزه با دشمن ترغیب می‌کرد تا آنجا که پیامبر توانایی او را با بیان اینکه: «ای ام‌عماره! چه کسی به قدر تو تواناست، ستود» دلاوری و استقامت وی و خانواده‌اش در نبرد احد، ایشان را مشمول دعای رسول خدا (ص) کرد و حتی از مقام برخی صحابه که به‌ظاهر برجسته بودند، برتر دانست و فرمود: «امروز تو جایگاهی بهتر از فلانی و فلانی داری». (۳)

ام‌عماره، در غزوه حدیبیه نیز حضور داشت و به گفته خودش: هنگامی که شوهرم «غزیهٔ بن عمر» شمشیری بسته بود، من چوبی را که سایبان بود، برداشتم، سپس کاردی هم همراه گرفتم که به کمر بسته

۱- مغازی، ج ۱، ص ۲۶۹؛ الاصابه، ج ۸، ص ۴۴۱.

۲- مغازی، ج ۱، ص ۲۷۰.

۳- همان، ص ۲۶۹.

ص: ۴۳

بودم و گفتم اگر دشـمن به من نزدیک شود، امیـدوارم که به قتل برسانم. (۱) وی در غزوه حنین (سال هشـتم) شرکت داشت. وقتی در سپاه مسلمانان سستی افتاد و آنان روی به هزیمت نهادند، ام‌عماره همراه چهار زن دیگر در حالی که شمشیر برنده‌ای در دست داشت، خطاب به انصار فریاد زد که این چه کار زشتی است؟ شـما و فرار! و با حمله به دشـمن، مردی از قبیله هوازن را کشت و به چهره فراریان خاک پاشید. (۲) ام‌عماره، پس از رحلت رسول خـدا (ص) نیز در برخی نبردها شـرکت کرد و در نبرد یمامه دسـتش قطع شد. «۳»

در نبرد خنـدق، هنگامی که یهودِ بنی‌قریظه پیمان‌شـکنی کرده و به قصـد شبیخون‌زدن به مردم مدینه به محل اسـتقرار برخی از زنان نزدیک شدند، صـفیه دختر عبدالمطلب، عمه رسول‌خدا (ص) اقدام به مقابله نظامی کرد و یکی از یهودیان را کشت و این در حالی بود که «حَسّان بن ثابت»، شاعر معروف انصار از رویارویی با آنان عذر خواسته بود. (۳)

۱- مغازی، ج ۳، ص ۴۵۸.

۲- همان، ص ۶۸۹.

۳- مغازی، ج ۲، ص ۴۶۲.

ص: ۴۴

بنا به نقلی، صفیه در جریان نبرد احد نیز فردی یهودی را که درباره همسران پیامبر (ص) جاسوسی می‌کرد، به قتل رساند. این زن شجاع، وقتی دید مسلمانان از احد می‌گریزند با نیزه‌ای که در دست داشت رو به جلو می‌رفت و با آن بر صورت مردم می‌زد و می‌گفت: «آیا از گرد رسول خدا (ص) می‌گریزید؟!»

در غزوه حنین (سال هشتم)، غیر از امیرمؤمنان (ع) و تنی چند از بنی‌هاشم، بقیه مسلمانان گریختند. در این هنگامه سخت، زنانی، مردانه ایستادند. ام‌عماره، ام‌سلیم، ام‌سلیط و ام‌حارث در این معرکه جهاد کردند. (۱) این زنان با رشادت خود، فراریان را شرمنده ساختند و آنان به نزد پیامبر بازگشتند. بدین ترتیب این دسته از بانوان در مصون ماندن آن حضرت از خطر، نقش داشتند. (۲)

ام‌سلیم، دختر مِلحان از دیگر زنان مسلمانی است که با همسرش ابوطلحه، در جنگ حنین شرکت کرد. او بُردی به کمر خود بسته و خنجری به دست داشت. ابوطلحه پرسید: این خنجر چیست که در دست

۱- مغازی، ج ۳، صص ۹۰۴- ۹۰۲.

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۴۲۴.

ص: ۴۵

داری؟ گفت: «آن را به دست گرفتم تا اگر مشرکی به من نزدیک شد، شکمش را با آن پاره کنم». (۱)

ز) تشویق و ترغیب رزمندگان به جنگ

در نبرد احـد آن‌گاه که شایعه شـد که رسول خـدا (ص) به شـهادت رسـیده است، «اوس بن قیظی» به همراه چند تن دیگر از انصار، پشت به جبهه کردند. امایمن با دیدن این صحنه، سخت ناراحت شد و مشتی خاک برداشت و به چهره ایشان پاشید و به آنان دوک نشان داد و گفت: «شمشـیرتان را بدهیـد و نخ بریسـید». (۲) در غزوه «ذی قَرَد»، در سـال شـشم که شتران پیـامبر به غـارت رفته بود، «اسماء بنت یزید بن سَکَن انصاری»، مردان را به شرکت در غزوه وامی‌داشت و همواره نگران سلامتی رسول خدا (ص) بود. (۳) دیده‌بانی و نگهداری از اسباب و لوازم مجاهدین، از دیگر کارهای زنان در جنگ بود.

۱- سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۹۶.

۲- مغازی، ج ۱، ص ۲۷۷.

۳- همان، ج ۲، ص ۵۴۳.

ص: ۴۶

۳- نقش اقتصادی زنان

اشاره

شاید برخی چنین تصور کنند که در صدر اسلام، زن به غیر از خانه‌داری، فعالیت دیگری از جمله فعالیت اقتصادی نداشته است؛ اما با دقت در متون مختلف سیره و تاریخ، بطلان این تصور آشکار می‌شود. گزارش‌ها حکایت از فعالیت‌های گوناگون زنان در عصر رسالت دارد. آنان بخش عمده‌ای از نیروی کار، تخصص و تولید را برعهده داشتند. هر زن مسلمان، بسته به توان و تخصص خود، در تقویت حکومت نبوی تلاش می‌کرد. مساعدت‌های ایشان به پیامبر و مسلمانان به طرق مختلف (مستقیم و غیر مستقیم) صورت می‌گرفت که به چند مورد اشاره می‌شود:

ص: ۴۷

الف) ایثار و انفاق

زنان مسلمان که به ضعف بنیه اقتصادی حکومت رسول خدا (ص) واقف بودند، هنگام لزوم، با ایثار و اهدای اموال و زیورآلات خود، حکومت تازه تأسیس پیامبر را تقویت می‌کردند تا به سهم خود آن حضرت را از تنگناهای مالی خارج سازند. این‌گونه ایثارگری‌ها قبل از تشکیل حکومت نبوی نیز وجود داشت که مصداق بارز آن را می‌توان در اقدام حضرت خدیجه (س)، دایر بر هزینه‌کردن تمام دارایی خود در راه دعوت اسلامی، برشمرد.

مطابق گزارشی، در جریان غزوه تبوک (سال نهم)، با توجه به کثرت نیروهای جهادگر (حدود سی هزار نفر) و حساسیت نبرد با روم و مسافت طولانی محل نبرد، و عدم توانایی مالی رسول خدا (ص)، برای تجهیز تمامی افراد سپاه، برخی زنان با اعطای زیورآلات خود، آن حضرت را یاری کردند. در خبری آمده که پارچه‌ای جلوی رسول خدا (ص) پهن بود که در آن دستبندها، بازوبندها، خلخال‌ها، گردنبندها و انگشترهایی بود که زنان اهدا کرده بودند تا سپاه اسلام را یاری دهند. (۱)

۱- مغازی، ج ۳، ص ۷۵۵؛ ر. ک: حضور زنان مسلمان در عرصه‌های نظامی، مجموعه مقالات همایش بین المللی سیره ...، ص ۱۰۶۳ به بعد.

ص: ۴۸

از دیگر مواردی که زنان، در تقویت حکومت پیامبر و حلّ مشکلات اقتصادی آن حضرت نقش داشتند، آن است که برخی زنان؛ مثل «رَملَه» دختر «حارث بن ثَعلَبه خزرجی» که خانه بزرگی داشت و از موقعیت مناسبی (نزدیکی به مسجد رسول خدا (ص) و داشتن مرکزیت) برخوردار بود، آن را در اختیار رسول‌خدا (ص) قرار داد تا در پیشبرد اهداف دولت اسلامی مورد استفاده قرار دهد.

در منابع، بارها در خصوص بهره‌مندی از این خانه سخن گفته شده است. از کارکردهای آن می‌توان به عنوان مهمانسرای حکومت نبوی، محل نگهداری موقت اسرا (۱)، محل ملاقات پیامبر با هیئت‌های مختلف، اشاره کرد. در این منزل، هیئت‌های (وفود) نمایندگان قبایلی چون مُحارَب (۲)، کِلاب (۳)، عبدُالقیس (۴)، تَغلَب و خَوْلان (۵)، با پیامبر ملاقات و مورد پذیرایی قرار گرفتند. به نقلی، اسرای بنی‌قریظه در این خانه نگهداری شدند. (۶) اسرای بنی‌تمیم نیز به تعداد یازده مرد و یازده زن و

۱- ر. ک: مجموعه مقالات، رسول جعفریان، دفتر دوم، ص ۱۱۳۷.

۲- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۹۹.

۳- همان، ص ۳۰۰.

۴- همان، ص ۳۱۶.

۵- همان، ص ۳۱۶.

۶- مغازی، ج ۲، صص ۳۸۷ و ۳۸۸؛ سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۲۴۱؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۴۰.

ص: ۴۹

سی کودک در آنجا نگهداری می‌شدند. (۱)

پس از رسول خدا (ص) نیز این خانه تا مدتی محل نگهداری اسرا بود؛ چنان‌که برخی اسرا در جریان جنگ‌های رده در آن نگهداری می‌شدند. (۲)

در گزارشی آمده است: زنی برای اهل صفه که از صحابه تهیدست بودند، هفته‌ای یک وعده غذا طبخ می‌کرد. (۳)امّ‌سلیم یا امّ‌مالک، نیز از اطعام‌کنندگان اهل صفه بود. (۴) با توجه به فقر و تنگدستی برخی مسلمانان، مثل صفه‌ای‌ها که غالب ایشان از صحابه پرهیزکار بودند، حلّ مشکل معیشتی آنان، خود نوعی کمک به حلّ بحران اقتصادی مسلمانان بود و تقویت دولت نبوی را در پی داشت. مهمان‌نوازی انصار نسبت به مهاجران و پناه دادن ایشان، و تقسیم امکانات خود با مهاجران از جمله اسکان ایشان که زنان انصار بیشترین زحمت را پذیرا می‌شدند، بی‌تردید در حلّ مشکلات آغازین سال‌های هجرت رسول خدا (ص)، مؤثر بود و نوعی کمک مالی به دولت آن حضرت محسوب می‌شد.

امّ‌علاء گوید:

۱- الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۶۱؛ مغازی، ج ۳، ص ۹۷۵.

۲- الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۱۰۲.

۳- معجم الکبیر طبرانی، ج ۶، ص ۱۷۳؛ بحارالانوار، ج ۷ ص ۱۳۱.

۴- مجمع الزواید، ج ۸، ص ۳۰۱.

ص: ۵۰

هنگـامی که مردم مـدینه دربـاره تحویـل خانه‌های خود به مهاجران به قرعه متوسل شدنـد، در قرعه، سـهم ما با عثمان بن مَظْعون در یک خانه تعیین شد. (۱)

رضایت‌دادن زنان ثروتمنـد و دارای پایگاه عالی قبیله‌ای و شـریف مبنی بر ازدواج با صـحابه تهیـدستی چون بلال و زید بن حارثه و ...، را نیز می‌تـوان از مصـادیق کمـک به دولت رسـول خـدا دانست (۲)؛ چرا که دسـتگیری از یـاران صـمیمی پیامبر و حلّ معیشـت ایشان، در واقع حلّ جزیی از مشکلات کلان حکومت آن حضرت بود که با زیرکی و لطافت انجام شد.

ام شـریک انصاری نیز از زنان ثروتمند بود و خانه او محلّ ورود مهمانان فراوان بود و او با عنوان انفاق در راه خدا، از آنان پذیرایی می‌کرد. (۳)

ب) تساوی زن و مرد

به مصداق آیه کریمه لِلرِّجالِ نَصِیبٌ مِمَّا اکْتَسَبُوا وَ لِلنِّساءِ نَصِیبٌ مِمَّا اکْتَسَبْنَ (نساء: ۳۲) که بهره کسب و کار هر کدام

۱- اسد الغابه، ج ۵، ص ۶۴.

۲- به عنوان نمونه می‌توان ازدواج خواهر عبدالرحمن بن عوف با بلال و ازدواج زینب بنت جحش با زید بن حارثه را بر شمرد.

۳- الاصابه، ج ۴، ص ۴۶۵.

ص: ۵۱

از زن یا مرد را با استقلال از آنِ صاحبش می‌شمرد و به مصداق روایت: «إِنَّمَا النِّساءُ شَقائِقُ الرِّجال»، (که در هر حکمی، مگر برخی از احکام مختصّه، زن و مرد را مساوی در حقوق می‌بیند)، مردان و زنان یکسانند و هیچ‌گونه تبعیض در این باب وجود ندارد و زنان در انواع مختلف حقوق مالکیت و استقلال در تصرف اموال منقول و غیرمنقول و سائر شئون تابعه آن، از تجارت، بخشش، رهن، قرض، صلح، شرکت، مضاربه، سرمایه گذاری، وقف، اجاره، کشاورزی و دیگر حقوق، با مردان مساوی هستند. (۱)

زنان علاوه بر فعالیت‌های اقتصادی در منزل؛ مانند زیلو بافی، زنبیل بافی، ساختن ابزارهای تزیینی، بافندگی، خیاطی و آسیاب کردن و ... که غالب زنان به آنها می‌پرداختند و در اقتصاد خانواده که کوچک‌ترین واحد اجتماعی محسوب می‌شد، نقش داشتند، در بیرون منزل نیز عهده‌دار برخی مشاغل بودند. اسلام نیز، مانعی بر سر فعالیت‌های اقتصادی زنان ایجاد نکرد. استقلال زنان در تصرفات مالی مورد اتفاق نظر فقها است و آن را به اذن شوهر منوط نمی‌دانند (۲)و

۱- حقوق زن در اسلام و جهان، آیت الله نوری، ص ۱۸۵.

۲- احکام النساء، شیخ مفید، ج ۶، ص ۲۶.

ص: ۵۲

آنـان بـا مراعـات قواعـد نظم اجتماعی به حرفه‌های گوناگونی اشـتغال داشـتند و در اقتصاد جامعه اسـلامی، در حـدّ توان خود نقش داشتند. اینک به برخی از فعالیت‌های مستقل زنان اشاره می کنیم:

ج) تجارت و دست‌فروشی

اشاره

پیش از اسـلام برخی زنـان به تجارت مشـغول بودنـد، حضـرت خـدیجه یکی از چهره‌های بارز و ثروتمنـد آن روزگار بود. با ظهور اسـلام و نظر به مجاز بودن تجارت برای آنان، برخی زنان به خرید و فروش و تجارت می‌پرداختند. بنابر نقلی، «قَیلَه انماریه»، خدمت رسول خدا ٩ رسـید و عرض کرد: «من به خریـد و فروش اشـتغال دارم، چـانه‌زدن در معـامله چگونه است؟» حضـرت فرمود: «چنـان مکن، بلکه هر قیمتی که می‌خواهی بخری یا بفروشی، همان قیمت را اعلام کن». (۱)

«ملیکه امّالسـائب بن اقْرَع»، از زنـان صـحابی است که به عطرفروشـی اشـتغال داشت و رسـول خـدا از او عطر خریـد. (۲) زنی به نـام «حولاء» یا خوله نیز به

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۹۱؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۵۳۵.

۲- اسد الغابه، ج ۵، ص ۵۴۸.

ص: ۵۳

عطرفروشی می‌پرداخت. (۱) پیامبر به او فرمود:

هرگاه عطر می‌فروشی، جنس سالم را با قیمت مناسب به مردم تحویل بده و هرگز در جنس خود تقلب روا مدار؛ زیرا معامله سالم پاک‌تر است و سبب خیر و برکتِ مال و در آمد خواهد شد. (۲)

شاهد دیگر بر حضور زنان در فعالیت‌های اقتصادی و تأمین معاش خانواده آن است که منابع سیره به اتفاق، یکی از زمینه‌های بروز غزوه بنی‌قینقاع را جسارت برخی یهود به یک زن مسلمان فروشنده، در بازار می‌دانند. (۳)

بنابر روایتی از رسول خدا (ص)، آن حضرت به زنان جوان اجازه داد تا در مراسم عید فطر و قربان از منزل‌های خود خارج شوند و برای تهیه روزی بساط بگسترانند: «إِنَّما رَخَّصَ رَسُولُ اللهِ لِلنِّساءِ العَواتِقِ فِی الخُروجِ فِی العیدَینِ فِی الرِّزق». (۴) خلاصه آنکه خرید و فروش رونق داشته و پیامبر صنایع دستی زنان را تأیید می‌کردند.

۱- اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۳۲؛ الاصابه، ج ۸، ص ۹۴.

۲- فروع کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۵، ص ۱۵.

۳- مغازی، ج ۱، ص ۱۷۶.

۴- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۲۸۷؛ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۷، ص ۴۷۱.

ص: ۵۴

یک – ریسندگی و خیاطی

این حرفه از مهم‌ترین صنایع به شمار می‌رفت و بخشی از مایحتاج منزل و اقتصاد خانواده را تأمین می‌کرد. در روایتی آمده است: «عَلِّمُوهُنَّ الغَزلَ وَ سُورَهَٔ النُّور» (۱)؛ «به زنان ریسیدن و سوره نور را تعلیم دهید».

گویند زنی پارچه‌ای نزد رسول خدا (ص) آورد و گفت: «با دستان خودم بافته‌ام» و آن حضرت پارچه را گرفت.

خیاطی از دیگر حرفه‌های زنان بود؛ چنان‌که ام‌سلمه اسلمیه، در جریان نبرد خیبر گفت: «هدف ما از حضور در جنگ دوختن مشک‌ها است». (۲)

دو – زنبیل‌بافی

در گزارشی آمده که «امّ‌صَفیه خَوْلَه» می‌گفت:

ما در زمان پیامبر و خلافت ابوبکر و آغاز خلافت عمر، در مسجد زنبیل می‌بافتیم؛ اما پس از آن عمر، ما را از مسجد بیرون کرد. (۳)

۱- کافی، ج ۵، ص ۵۱۶؛ من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۷۴.

۲- الاصابه، ج ۸، ص ۲۴۵.

۳- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۹۶.

ص: ۵۵

سه – باغداری و کشاورزی

کشت و زرع و باغداری از مشاغل دیرینه زنان بوده است، به‌گونه‌ای که نخستین کشاورزان را، زنان دانسته‌اند.

با توجه به سفرها و مأموریت‌های جنگی مردان و غیبت طولانی مدت آنان، زنان در غیاب همسران خود، امور کشاورزی را عهده‌دار می‌شدند. در خبری از سَهل بن سَعد آمده است:

زنی از تیره ما در مزرعه خود یک نوع گیاه خوردنی شبیه کدو می‌کاشت و ما روزهای جمعه به مزرعه او می‌رفتیم و او از ریشه آن گیاه غذایی تهیه می‌کرد و ما از آن می‌خوردیم؛ به این دلیل روز جمعه برای ما خاطره خوشی بود.

گویند: مدینه از کار زنان سرسبز و خرم شده بود. (۱)

چهار – آرایشگری

این حرفه همواره از راه‌های تأمین معاش از سوی زنان محسوب می‌شد. «امّرَعله قُشیری» در ارتباط با شغل و حرفه خود از رسول خدا (ص) پرسید:

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۹۶.

ص: ۵۶

شغل من آرایشگری است و زنان را برای شوهرانشان آرایش می‌کنم، آیا برای ادامه این کار مجاز هستم؟

پیامبر (ص) فرمود:

مانعی ندارد، به کار خود ادامه بده و بانوانی را که احتیاج به آرایش و زینت دارند، فقط برای شوهرانشان زینت کن. (۱)

از امام علی (ع) نقل شده که فرمود: از پیامبر در خصوص زنی که زندگی او با تنگنا و سختی سپری می‌شد و غیر از حرفه آرایشگری نیز کار دیگری بلد نبود، پرسیدم، آن حضرت فرمود: «فقط موی سر دیگری را به سر زن دیگری وصل نکند». (۲)

پنج – چوپانی

پیشینه این شغل به زمان‌های بسیار دور برمی‌گردد؛ چنان‌که در قرآن کریم در جریان قصه حضرت موسی (ع) به چوپانی دختران شعیب (ع) اشاره شده است. (۳) بنا به گزارشی، سَلَمه دختر حر می‌گوید:

من در آغاز اسلام، مشغول چرانیدن گوسفندان

۱- الاصابه، ج، ۴ ص ۴۵۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۹۴.

۳- قصص: ۲۶.

ص: ۵۷

بودم، روزی رسول خدا (ص) از کنارم گذشت و فرمود: به چه چیزی شهادت می‌دهی؟ گفتم: به خدا و رسول. آن حضرت لبخندی زد و به راه خود ادامه داد. (۱)

در خبر دیگری آمده است: دختر «کَعب بن مالک»، در حین چوپانی سر یکی از گوسفندان را برید و حکم آن را از رسول خدا پرسید. (۲)

همچنین گزارش شده یکی از همسران پیامبر، کنیز خود را آزاد کرد. پیامبر (ص) فرمود: «اگر او را به خانواده‌ات می‌دادی تا برای آنان گوسفند بچراند، بهتر بود». (۳)

شش- خدمتگزاری

از دیگر کارهای زنان، نظافت و خدمتگزاری در مساجد و منازل بود. (۴)

مواردی دیگر

زنان در طبابت، پرستاری، شکسته‌بندی، جرّاحی و

۱- الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۳۳.

۲- حسن الاسوه، صص ۲۰۷ و ۲۰۸.

۳- المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۴۳۸.

۴- نظام اداری صدر اسلام، کتانی، ص ۲۸۰.

ص: ۵۸

کارهـای بهـداشتی نیز نقش مهمی داشـتند. به عنوان نمونه می‌توان از رفیـده، ام‌عطـاء، امّ‌کَبشَه، حَمنَهٔ بنت جحش، مُعـاذَه، ربیع بنت مسعود، ام‌عطیه و ام‌سلیم نام برد. (۱)

در برخی منابع، از بعضـی زنان با عنوان «کانت صـناعه» یاد شـده است. «ریطه» همسـر عبـدالله بن مسـعود و زینب بنت جحش از آن جمله‌اند. (۲) زینب و سوده از همسران رسول خدا (ص)، پوست، دباغی می‌کردند و علاوه بر تأمین قسمتی از مخارج خانواده خود، از دسترنج خود به دیگران نیز انفاق می‌کردند.

۱- تراجم النساء، ج ۲، ص ۳۴.

۲- الآحاد و المثانی، ج ۵، ص ۴۲۷؛ المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۳۴۳.

ص: ۵۹

ص: ۶۰

۴- نقش فرهنگی زنان

اشاره

دین اسلام یک انقلاب فکری و فرهنگی بود و نور علم و دین همه زوایای زندگی و پیکره مسلمانان را روشن ساخت. آیاتی که در ستایش علم فرود آمده اختصاص به مردان نداشت. نیز روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد که نشانگر آن است که اسلام، به علم‌آموزی تشویق نموده است.

از این رو، از همان سال‌های نخست ظهور اسلام، روی آوردن به کسب دانش، شتاب گرفت؛ در حالی که قبل از اسلام تعداد باسوادان، انگشت‌شمار بودند.

بلاذری، در میان زنان، چند تن چون امّ‌کلثوم بنت عُقْبَه، عایشه بنت سَعد، کریمه بنت مِقداد و امّ وَرقَه دختر عبدالله بن حارث را نام می‌برد که نوشتن

ص: ۶۱

می‌دانستند. (۱)

اسـلام همـان‌گونه که مرد را به فراگیری علم و معـارف و مکـارم تشویق کرد، زنـان را نیز از این خوان گسـترده محروم نسـاخت؛ و نقش مسـاوی در تعلیـم و فراگیری علـم برای زن و مرد در نظر گرفـت. اسـلام فراگیری دانش را نـه تنهـا بـه جنس خاصـی محـدود نسـاخت، بلکه به انـدیشه و علوم اصـالت داد، نه به عالم و اندیشـمند. دانشـجو به علم می‌نگرد نه به عالم، او گمشـده خود را نزد هر کس که باشد پیدا می‌کند. و مکان و زمان قیدی بر پای او نمی‌نهد. در خانه، مسجد و صحنه جنگ نیز می‌توان دانش اندوزی کرد. در اسلام منع علم جایز نیست. «العِلمُ لایَحِلُّ مَنعُهُ» (۲)؛ و بر تعلیم و تربیت زنان تاکید شده است «إضرِبُوا النِّساءَ عَلی تَعَلُّمِ الخَیر». (۳) جـای تردیـدی نیست که ایجاد محـدودیت برای علم‌آموزی زنان و ایفای نقش فرهنگی در جامعه، امری کاملًا خلاف دین اسـلام و ناشی از سوء تصور درباره زنان است. رسول خدا (ص) برخی زنان را به دلیل

۱- فتوح البلدان، بلاذری، ص ۵۸۱.

۲- کنز العمال، متقی هندی، ج ۱۰، صص ۲۱۷ و ۱۳۴.

۳- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹.

ص: ۶۲

روحیه پرسشگری و آموختن احکام دین ستوده است؛ چنان‌که در گزارشی آمده است: آن حضرت از زنان انصار تمجید کرد و فرمود:

نِعمَ النِّساءُ نِساءُ الانصار ... (۱)

زنان انصار خوب زنانی هستند ... شرم مانع فقاهت آنان نمی‌شود.

البته در میان زنان مهاجران نیز کسانی چون ام‌سلمه (همسر رسول خدا) روحیه بالای پرسشگری داشتند. (۲)

پیامبر (ص) فضایی ایجاد کرده بود تا زنان راحت و آزادانه سؤالات خود را بپرسند. در واقع با علم‌آموزی از محضر آن حضرت، علوم را منتشر می‌ساختند. مطابق نقلی، رسول خدا (ص) بنا به درخواست زنان، روزی را برای امر تعلیم و موعظه آنان اختصاص داده بود. (۳)

علاوه بر پیامبر، همسران آن حضرت نیز حلقه اتصال و واسطه فیض پیامبر با زنان بودند و شاید یکی از رازهای ازدواج‌های آن حضرت، این بود که

۱- مسند احمد، ج ۶، ص ۱۴۸؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۱؛ کنز العمال، ج ۹، ص ۶۳۷.

۲- ر. ك: ام‌سلمه، دائرة المعارف قرآن کریم، الهی زاده، ج ۴، صص ۳۶۶- ۳۶۹.

۳- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۰.

ص: ۶۳

آنان، تعالیم و احکام اسلام را به زنان دیگر بیاموزند.

الف) تبلیغ اسلام

از کارهای مهمّ زنان در عصر رسالت، تبلیغ اسلام بود. آنان اطرافیان مشرک خود را به اسلام فرامی‌خواندند؛ چنان‌که «امّرومان» برای مسلمان‌کردن فرزند خود عبدالرحمن کوشش زیادی کرد و بارها با او محاجّه نمود ولی نتیجه‌ای در برنداشت تا اینکه پس از فتح مکه اسلام آورد. (۱) «خنسا» دختر عمرو بن شریه از طایفه خود بنی‌سلیم، تعداد زیادی را مسلمان کرد. (۲) ام‌سلیم بنت مِلحان خزرجی به خواستگارش گوشزد کرد که تنها در صورت مسلمان شدنش با او ازدواج خواهد کرد و او هم مسلمان شد. (۳) ام‌شریک انصاری، پیوسته دیگران را به اسلام ترغیب می‌کرد. (۴) سُفّانه دختر حاتم طایی برادر خود، عَدِیّ بن حاتم را به اسلام دعوت کرد. (۵) «فاطمه بنت خطاب» نیز، زمینه اسلام برادر خود را

۱- انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۱۰۱؛ الاصابه، ج ۸، ص ۳۹۳.

۲- الاصابه، ج ۸، ص ۱۱۱.

۳- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۲۶.

۴- انساب الاشراف، ج ۲، ص ۵۴.

۵- مغازی، ج ۳، ص ۹۸۸.

ص: ۶۴

فراهم کرد.

ب) مدرسی و معلمی

زنان، به دلیل جایگاه و نقش بارز و مشخصی که در تربیت و رشد نسل‌های آینده دارند، از مهم‌ترین عوامل فرهنگ‌ساز جامعه به شمار می‌روند.

هر چند در آستانه ظهور اسلام، زنان انگشت‌شماری از سواد خواندن و نوشتن برخوردار بودند؛ اما با ظهور اسلام و تشویق پیامبر، برخی از آنان هنر خود را به زنان دیگر می‌آموختند؛ چنان‌که «لیلی بنت عبدالله قرشی» که از نویسندگان عصر جاهلی بود، هنر نویسندگی خود را در خدمت زنان مسلمان قرار داد و به حفصه، همسر رسول خدا (ص) کتابت آموخت و آن حضرت خانه‌ای را در مدینه به وی داد. (۱) حفصه خود پس از کسب این هنر به دستور پیامبر، هنرش را به دیگر همسران آن حضرت انتقال داد.

امّوَرقه، دختر عبدالله بن حارث، بانویی بود که قرآن را جمع‌آوری کرده بود. (۲) در گزارشی آمده است: «شفا» که از آموزگاران با تجربه عصر خود بود، به

۱- الاعلام، ج ۳، ص ۲۴۶.

۲- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۵۸.

ص: ۶۵

دستور رسول خدا (ص) به همسرش خط آموخت. (۱)حضرت فاطمه (س)، شاگردانی چون فضّه، اسماء و رقیّه داشت؛ حتی برخی مردان صحابی؛ مثل جابر و سلمان به زنانی چون اسماء، امایمن، و فضه مراجعه می‌کردند و با طرح سؤال، پاسخ‌های خود را دریافت می‌کردند.

ج) راویت حدیث

بخشی از سیره حضرت رسول اکرم (ص)، به وسیله زنان به ما منتقل شده است. آنان یافته‌ها و اندوخته‌های علمی خود را به دیگران منتقل و رسالت فرهنگی خویش را به صورت مطلوبی ایفا می‌کردند. یکی از محققان، زندگی‌نامه حدود ۶۸ زن دانشمند و راوی را که از پیامبر حدیث نقل کرده‌اند، به رشته تحریر درآورده است. (۲) محقق دیگری، بیوگرافی ۱۵۰ زن راوی در سده نخست هجری را جمع‌آوری کرده است. (۳)

روایات زنان از پیشوایان دین و تلاش‌شان در نشر

۱- نیل الاوطار، شوکانی، ج ۹، ص ۱۰۳؛ السنن الکبری، بیهقی، ج ۴، ص ۳۶۶.

۲- ر. ك: زنان نمونه، علی شیرازی.

۳- زنان دانشمند و راوی حدیث، صادقی اردستانی، صص ۲۳۴- ۲۳۷.

ص: ۶۶

و ماندگاری حدیث در تاریخ ثبت است که به چند مورد اشاره می‌شود.

حضرت فاطمه (ص) بنا به اختلاف گزارش‌ها، ۱۸، ۲۱، ۸۳ و ۲۱۳ حدیث از پدر بزرگوارش، نقل کرده است. همچنین حسنین (ع)، علی (ع)، ام‌سلمه، عایشه و انس بن مالک از حضرت فاطمه (س) حدیث نقل کرده‌اند.

«اسماء بنت یزید بن سَکَن» که در گفت‌وگو با رسول‌خدا (ص) کمتر خجالت می‌کشید، ۸۱ روایت در زمینه‌های گوناگون از آن حضرت نقل کرده است. وی از روات ثقه شناخته شده است. (۱) از دیگر زنان، می‌توان به امّعُمّاره (نسیبه) (۲) و «اسماء بنت مَرثَد بن جبر» اشاره کرد. (۳) ام‌سلمه همسر رسول‌خدا (ص)، بیش از ۳۷۸ حدیث روایت کرده است. (۴)

او بیشتر از شخص پیامبر یا از طریق فاطمه (س) یا ابوسلمه حدیث نقل کرده است. (۵) عایشه از دیگر زنانی است که روایات بسیاری از رسول خدا (ص) نقل کرده است. وی تنها تعداد چهل حدیث در مورد فضایل

۱- مسند احمد، ج ۷، ص ۶۰۶.

۲- مسند احمد، ج ۷، ص ۵۰۸؛ سنن ترمذی، ج ۲، ص ۲۳۵.

۳- الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۴۸.

۴- سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۲، ص ۲۱۰.

۵- تهذیب الکمال، مزی، ج ۳۵، ص ۳۱۷.

ص: ۶۷

امیرمؤمنان و حضرت فاطمه (س) نقل نموده است. (۱) «ام‌مَعبَد عاتِکه خُزاعی» نیز از پیامبر حدیث نقل کرده است. (۲) ام‌ایمن آزاد کرده پیامبر و از صحابه، احادیث فراوانی از آن حضرت نقل کرده است. این زنان فرهیخته تنها نمونه اندکی از زنانی هستند که از محضر رسول خدا (ص) کسب فیض کرده و در حفظ و انتقال میراث فرهنگی و معنوی اسلام، نقش داشته‌اند.

نتیجه

پیش از اسلام، زنان از جایگاه مناسبی برخوردار نبوده و از حقوق اجتماعی محروم بودند. موقعیّت جغرافیایی و زندگی اجتماعی عرب از عواملی بود که دید آنان را نسبت به جنس زن منفی ساخته بود. با ظهور اسلام، به زنان توجه ویژه‌ای شد و آنان به عنوان عضو مؤثر و کارآمد و سرنوشت‌ساز جامعه بشری به شمار آمده و از جایگاه رفیعی برخوردار شدند.

در پرتو تعالیم اسلام و با فرهنگ‌سازی‌ای که رسول خدا (ص) انجام داد، زنان فرصت یافتند تا برای

۱- ر. ک: زنان دانشمند و راوی حدیث، صص ۱۹۴- ۱۹۸.

۲- المعجم الکبیر، ج ۲۴، ص ۳۴۸.

ص: ۶۸

پیشبرد اهداف متعالی اسلام در امور مختلف سیاسی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی به ظهور و بروز استعدادهای خود بپردازند؛ البته نباید توقّع داشت که با توجه به پیشینه و دیدگاه منفی مردان به زنان، در حکومت کوتاه‌مدت پیامبر (ص) ایشان در تمام امور نقشی همانند مردان داشته باشند. با وجود این، چون زنان از ایفای نقش در عرصه‌های مختلف، منع نشدند، از این‌رو آنان با حفظ حریم خود در ایفای مسئولیت‌های اجتماعی کوشیدند و پیامبر را در پیشبرد اهدافش یاری کردند.

حضور زنان کاردان در عرصه‌های نظامی به طور داوطلبانه، حلّ برخی مشکلات مالی رسول خدا (ص) از طریق ایثار و انفاق اموال، کار و تلاش برای تأمین هزینه خانواده و تهیدستان از صحابه، تعلّم و سپس تعلیم و انتقال آموزه‌های اسلام و پیامبر به دیگران، از طریق تبلیغ، مدرسی و روایتگری از جمله نقش و کارکردهای زنان در حکومت آن حضرت بود.

ص: ۶۹

ص: ۷۰

کتابنامه

* قرآن کریم

۱. الآحاد و المثانی، ابن ابی عاصم، تحقیق: باسم فیصل، احمد الجوابره، دار الدرایه، ۱۴۱۱ ه. ق.

۲. احکام النساء، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، تحقیق: شیخ مهدی نجف، المؤتمر العالمی لألفیهٔ شیخ مفید.

۳. الإرشاد فی معرفهٔ حجج الله علی العباد، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، تحقیق: مؤسسهٔ آل البیت لإحیاء التراث، قم، المؤتمر العالمی لألفیهٔ الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ه. ق.

۴. الاستیعاب فی معرفهٔ الاصحاب، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، به کوشش: علی محمد معوض و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ه. ق.

۵. اسد الغابه، عزالدین علی بن‌اثیر، به کوشش: علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ه. ق.

ص: ۷۱

۶. الاصابه فی تمییز الصحابه، احمد بن علی بن‌حجر عسقلانی، تحقیق: عادل احمد عبد الموجود و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ه. ق.

۷. ایران در زمان ساسانیان، آرتور کریستن سن، ترجمه: رشید یاسمی، چاپ دوم، تهران، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۵ ه. ش.

۸. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسهٔ الوفاء، ۱۴۰۳ ه. ق.

۹. البدایهٔ و النهایهٔ، ابوالفداء اسماعیل بن‌کثیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ ه. ق.

۱۰. تاریخ اجتماعی ایران، سعید نفیسی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴ ه. ش.

۱۱. تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)، محمدبن جریر طبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.

۱۲. تاریخ المدینهٔ المنورهٔ، عمر بن شبه نمیری، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، قم، دارالفکر.

۱۳. تاریخ الیعقوبی، احمد بن واضح یعقوبی، بیروت، دار صادر.

۱۴. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ترجمه: آرام، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵ ه. ش.

۱۵. تاریخ فلسفه، ویل دورانت، ترجمه: عباس زریاب خویی، چاپ چهارم، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۵۷ ه. ش.

۱۶. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سیدحسن خرسان، چاپ چهارم، دار الکتب العلمیه، ۱۳۶۵ ه. ش.

ص: ۷۲

۱۷. تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ابوالحجاج یوسف مزی، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسهٔ الرساله، ۱۴۰۸ ه. ق.

۱۸. جمل من انساب الاشراف، احمدبن یحیی بلاذری، تصحیح: سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ه. ق.

۱۹. حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، محمد حکیم پور، چاپ دوم، انتشارات نغمه، ۱۳۸۴ ه. ش.

۲۰. دائرهٔ المعارف تشیع، احمد صدر حاج سید جوادی، بنیاد اسلامی طاهر، ۱۳۶۶ ه. ش.

۲۱. دلائل النبوهٔ، احمدبن الحسین بیهقی، تحقیق: عبدالمعطی قلعجی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ه. ق.

۲۲. روض‌الجنان، ابوالفتوح رازی، به کوشش و تصحیح: محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ه. ش.

۲۳. زن در آیینه جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی، تهران، نشر سفیر صبح، ۱۳۸۰ ه. ش.

۲۴. زن و مشارکت سیاسی- اجتماعی، مرکز امور مشارکت زنان، تهران، برگ زیتون، ۱۳۸۰ ه. ش.

۲۵. زن، دین، سیاست، زهرا آیت اللّهی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۹ ه. ش.

۲۶. زنان دانشمند و راوی حدیث، احمد صادقی اردستانی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ه. ش.

ص: ۷۳

۲۷. زنان نمونه، علی شیرازی، چاپ چهارم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ه. ش.

۲۸. سبل الهدی و الرشاد فی سیرهٔ خیر العباد، محمدبن یوسف شامی، تحقیق: عادل عبدالموجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ه. ق.

۲۹. سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، به کوشش: مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ ه. ق.

۳۰. سنن الترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، تحقیق: عبدالوهاب عبد اللطیف، بیروت، دارالفکر ۱۴۰۳ ه. ق.

۳۱. السنن الکبری، احمدبن حسین بیهقی، بیروت، دارالفکر.

۳۲. سیر اعلام النبلاء، شمس‌الدین ذهبی، به کوشش: شعیب ارنوط، بیروت، دار الرساله، ۱۴۱۳ ه. ق.

۳۳. سیرهٔابن‌هشام، ابومحمد عبدالملک بن‌هشام، تحقیق: مصطفی السقا و دیگران، قم، چاپخانه مهر، ۱۳۶۳ ه. ش.

۳۴. شخصیت و حقوق زن در اسلام، مهدی مهریزی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ ه. ش.

۳۵. صبح الاعشی، احمد بن علی قلقشندی، مصر، وزارهٔالثقافه و الارشاد القومی، ۱۳۸۳ ه. ق.

۳۶. صحیح البخاری، اسماعیل بن ابراهیم بخاری، تحقیق: قاسم الشماعی الرفاعی، بیروت، دار القلم.

۳۷. الطبقات الکبری، محمد بن‌سعد، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ه. ق.

ص: ۷۴

۳۸. فتوح‌البلدان، احمدبن یحیی بلاذری، قاهره، مکتبهٔ النهضهٔ المصریه، ۱۳۷۹ ه. ق.

۳۹. قرآن و مقام زن، سید علی کمالی، چاپ دوم، انتشارات اسوه، بی‌تا.

۴۰. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴ ه. ش.

۴۱. کشف الغمه فی معرفهٔ الائمه، ابوالفتح علی بن عیسی اربلی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ه. ق.

۴۲. کشف هند، جواهر لعل نهرو، ترجمه: محمود تفضلی، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱ ه. ش.

۴۳. مجموعه مقالات همایش بین المللی سیره شناختی پیامبر اعظم، به اهتمام: اصغر منتظر القائم، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۵ ه. ش.

۴۴. المحبر، ابن حبیب بغدادی، به کوشش: ایلزه لیختن شتیتر، بیروت، دار الآفاق الجدیده، بی‌تا.

۴۵. المراهٔ فی الجاهلیهٔ و الاسلام، یوسف غروی، قم، مجمع العالمی لاهل البیت، ۱۴۲۶ ه. ق.

۴۶. المراهٔ فی ظل الاسلام، عبدالله میر منصور، بیروت، دارالبلاغه، ۱۴۱۳ ه. ق.

۴۷. مسند احمد، احمد بن‌حنبل، بیروت، دار صادر.

۴۸. المعجم الکبیر، طبرانی، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، چاپ دوم، قاهره، دار احیاء التراث العربی.

۴۹.

ص: ۷۵

المغازی، محمد بن عمر واقدی، به کوشش: جونس، چاپ سوم، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۴ ه. ق.

۵۰. مقالات تاریخی، رسول جعفریان، دفتر دوم، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۶ ه. ش.

۵۱. من لا یحضره الفقیه، محمدبن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ه. ق.

۵۲. نساء حول الرسول، محمود مهدی، مصطفی ابوالنصر، چاپ نهم، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۲۱ ه. ق.

۵۳. نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، عبدالحی کتانی، ترجمه: ذکاوتی قرا گوزلو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۴ ه. ش.

۵۴. نیل الاوطار، محمد بن علی شوکانی، بیروت، دار الجلیل.

۵۵. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، تحقیق و نشر مؤسسهٔ آل‌البیت، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۴ ه. ق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».